

تورات بیان‌کننده تاریخ است، اما نه تاریخ به معنای مرسوم آن، بلکه تاریخی تکرارشونده، اسطوره‌ای و دارای زمانی دوار و نه زمانی خطی. بسیاری از قصه‌های عهد قدیم را می‌توان گونه‌ای تذکار تاریخی نامید؛ یعنی این داستان‌ها بی‌تردید هسته‌ای از داستان واقعی در خود دارند (نجفی، ۱۳۸۲)، ولی نمایانگر همه واقعت نیستند و با تفسیر اسطوره‌ای می‌توان حقایق فراتر از واقعت آنها را کشف کرد.

براساس یافته‌های باستان‌شناسی و روایات سنتی، تاریخ یهودیان پیش از دوران سلیمان چند مقطع و نقطه عطف داشته است: از ۱۹۰۰ تا ۱۶۰۰ ق.م، دوره آباء یهود (ابراهیم، اسحاق و یعقوب)؛ از ۱۲۷۵ تا ۱۲۵۰ ق.م، دوره خروج از مصر و از ۱۲۵۰ تا ۱۲۰۰ ق.م، دوره پیروزی بنی‌اسرائیل در کنعان و دوره داوران. دوره حکومت شائول (Saul)، نخستین پادشاه یهود از ۱۰۲۰ تا ۱۰۰۰ ق.م را فرامی‌گیرد. از ۱۰۰۰ تا ۹۶۱، دوره پادشاهی داوود بوده است. سلیمان در ۱۲ سالگی، بر اریکه سلطنت نشسته است و از ۹۶۱ تا ۹۲۲ دوره سلطنت وی بوده است (A.Ro, 1972, p. 105-106; Sherbok, 2003, p. 19,26,32,45).

از حدود سه هزار سالی که از زمان دو پادشاه آرمانی یهود یعنی داوود و سلیمان می‌گذرد، قوم یهود که به زعم خود قوم و سرزمین برگزیده‌اند، همواره در تبعید حسرت اعاده آن دوران طلایی، به رهبری یکی از اخلاف آنها به سر می‌برند و تحولات بسیاری را در جهان به وجود آورده‌اند تا ستاره‌های داوود و سلیمان دوباره بر این گیتی فروزان شوند. در سنت یهودی، شخصیت‌های برجسته کتاب مقدس در چند دسته اصلی قرار می‌گیرند. کارکرد هر یک از اینها با یکدیگر متفاوت است. هرچند بعضی از آنان می‌توانند در چند گروه قرار گیرند:

۱. آبا: که به حضرت ابراهیم، حضرت اسحاق و حضرت یعقوب و گاه فرزندان یعقوب اطلاق می‌شود.
۲. کاهنان: معنی لغوی کاهن، سازنده پل است. پس از خروج قوم یهود از مصر، برای آنکه عبادت یهوه به گونه‌ای منظم صورت گیرد، خداوند هارون را به‌عنوان کاهن اعظم در طول مسافرت و هجرت برگزید. این مقام به نسل و سبط لاویان (یکی از دوازده قوم بنی‌اسرائیل) نیز انتقال یافت. البته قرن‌ها قبل، حضرت ابراهیم توسط کاهن یا پادشاه زمان خود، ملک‌یصادق برکت یافت و عشریه خود را به او پرداخته بود (محمدیان و دیگران، ۱۳۸۰، ص ۸۹۷).
۳. داوران: پس از مرگ یوشع، جانشین موسی، زمانی طولانی بیش از سیصد سال، یعنی تا زمان شائول و داوود، دوازده قبیله بنی‌اسرائیل دولت مرکزی نداشتند و بر هر یک از قبایل، داوری از خودشان به قضاوت اختلافات درونی قبیله می‌پرداخت (هلی، ۲۰۰۰، ص ۱۴۱-۱۴۲).
۴. انبیا: گرچه واژه «نبی» پیش از سموئیل، گاهی اوقات به چشم می‌خورد (پیدایش ۲۰: ۷؛ خروج ۷: ۱)، اما

حکمت، حکومت و خطای سلیمان در عهد عتیق

با نگاهی به دیدگاه قرآن کریم

heydari@kashanu.ac.ir

Erfan407@gmail.com

حسین حیدری / استادیار گروه ادیان و فلسفه دانشگاه کاشان
 خدیجه کار دوست فینی / کارشناس ارشد ادیان دانشگاه کاشان
 دریافت: ۱۳۹۲/۸/۵ - پذیرش: ۱۳۹۲/۱۲/۲۰

چکیده

سلیمان یکی از حکیمان و پادشاهان آرمانی یهود و یکی از پیامبران بزرگ در قرآن به‌شمار می‌رود. از نگاه متون عبری، سلیمان یکی از مقتدرترین و حکیم‌ترین پادشاه آرمانی منصوب از سوی خداوند بوده است. در طول حدود چهل سال حکومت (۹۶۱ تا ۹۲۲ ق.م) در قلمرو فرمانروایی وی آرامش و سلامت بی‌نظیری حاکم بود. از این‌رو، لقب وی از دیدیدیا (محبوب خدا) به شلومو یا سلیمان (پر از سلامتی) تغییر یافت. حتی حیوانات و نباتات نیز از این تنعم و عنایت سلیمان بهره‌مند بوده‌اند.

این جستار، عمدتاً با استناد به چند کتاب عهد قدیم و کتاب‌های قانونی ثانی، به تصویر سیمای سلیمان در نگاه یهودیان، با نگاهی به دیدگاه قرآن کریم می‌پردازد. در مواردی، گزارش عهد قدیم درباره اوصاف و کارکرد سلیمان، با متون اسلامی سازگار نیست، برخی از مغایرت‌ها در این مقاله نشان داده شده است.

کلیدواژه‌ها: سلیمان، تاریخ یهود، عهد قدیم، قرآن کریم، آرمانشهر یهودی.

در ترتیب تاریخی و نه صرفاً با معیار دریافت وحی، در عهد عتیق «انبیای اولیه» در عهد داوران (قضات) بنی اسرائیل در حدود ۱۰۰۰ ق.م ظاهر شده‌اند و آنها را به زبان عبری «نبییم» لقب داده‌اند. به نظر می‌رسد، سموئیل بنیانگذار مراکز تربیتی انبیا بوده است. وی این مراکز را برای نظارت بر کاهنان و پادشاهان تأسیس کرد. در مدت ۳۰۰ سال، «انبیای شفاهی» فعالیت داشتند، مانند سموئیل، ایلیا و الیشع که مبارزه با بعل‌پرستی را رهبری می‌کردند. پس از اینان، «انبیای صاحب کتاب» آمدند؛ همان کسانی که ۱۷ کتاب آخر عهد عتیق را نگاشته‌اند مانند: *اشعیا، ارمیا و مراثی* تا حجبی، زکریا، ملاکی (هلی، ۲۰۰۰، ص ۱۵۳). این گروه مانند درویشان و عرفای مجذوب مشرق‌زمین، افرادی با جذبه و شور بودند که شراره ایمان مذهبی قلب آنها را مشتعل ساخته و روح یهوه بر سراسر وجود ایشان استیلا یافته بود. در عهد قدیم حضرت موسی و هارون نبی خوانده نشده‌اند، بلکه کاهن بوده‌اند. در کتاب سموئیل نبی (۵:۱۰) آمده است که وی پس از آنکه شائول را با روغن مسح کرد، او را به سلطانی آینده اسرائیل نوید داد (ناس، ۱۳۸۶، ص ۵۰۶) و شائول نخستین پادشاه بنی اسرائیل شد. سپس داوود و سلیمان پادشاهان بعدی یهودیان بودند.

۵. پادشاهان: مانند حضرت داوود و حضرت سلیمان.

۶. حکیمان و...: کتاب مقدس (اعم از عهد عتیق و عهد جدید) دست‌کم ۱۲ نفر را حکیم خوانده و اعمال آنان را گزارش کرده است. از آنان، ۶ نفر به‌عنوان رهبر حکیم هستند: یوسف، موسی، یوشع، داوود، سلیمان، و استیفان (اعمال ۱۰:۷، ۲۰:۷-۲۲:۷؛ تشبیه ۳۲:۶؛ دوم سموئیل ۱۴:۲۰؛ اول پادشاهان ۲۹:۴-۳۴:۴؛ اعمال ۱۰:۳۸-۱۰:۶) و *دانیال* به‌عنوان مشاور حکیم (دانیال ۱۲:۵-۱۱) و *ابیحابل* با وصف همسری حکیم (اول سموئیل ۲۵:۳۲-۳۳)، و *پولس* پیام آور حکیم (دوم بطرس ۳: ۱۶-۱۵)، *بصل* ئیل با خصوصیت صنعتگر حکیم (خروج ۳۱: ۵-۱)، *مجوسیان* فراگیرندگان حکیم (متی ۲: ۱-۱۰). سرانجام، حضرت عیسی با وصف جوان، منجی و حکمت خدا (لوقا ۲: ۵۴ و ۵۲، اول قرنتیان ۱: ۲۵-۲۰) معرفی گردیده‌اند.

حکما یا خردمندان و دانشمندان، با جست‌وجوی مستمر خویش به دنبال دانش و معرفت، تأثیرگذار بوده‌اند. در کار ایشان، دو نقطه قوت و تأکید مختلف وجود داشته است: نخست اینکه، به دنبال حکمت عملی در قالب اوامر و نواهی و تنبیه و تنذیر زندگی روزمره می‌رفتند. دیگر اینکه، به دنبال مفاهیم و موضوعات نظری و نظریه‌پردازی درباره حیات بودند. بیشتر این قبیل حکما، نقش آموزگاران پیر نسل جوان را بر عهده داشته، آنان را آماده می‌کردند تا با دانشی روشن از حکمت، به جایگاه آرمانی دست یابند. نقطه تأکید آنان، نه بر علایق آداب و رسوم دینی کشیشان و کاهنان بود، و نه بر علایق اخلاقی و کلامی پیامبران، بلکه بر عکس، تمامی سفارش و

تأکید آنان بر این نکته بود که چگونه افراد، در عمل و به‌طور کاملاً محسوس، تحت توجهات الهی زندگی موفقیت‌آمیزی را داشته باشند (بیستس، ۱۳۷۸، ص ۶۴۷-۶۴۸). البته نهضت منسجم و حاکم حکمت‌آمیزی که این‌گونه حکما و دانشمندان را به وجود آورد، به‌صورت گسترده، کمی پس از حرکت پیامبران عبرانی آغاز گردید. اما از آن دوام بیشتری پیدا کرد و چندین سده به موازات انذار انبیا در فعالیت بود. به نظر می‌رسد، حکما و دانشمندان بخشی از دربار سلطنتی داوود و سلیمان را تشکیل می‌دادند. در حقیقت، سلیمان، که از همان روزهای اول حکومت و سلطنت خویش به خردمندی و حکمت مشهور بود، بزرگ‌ترین حکیم و حامی این نهضت (دانشمندپروری) بوده، بخش اعظمی از موارد و مطالب لازم را زیر نام خود جمع‌آوری کرد (همان، ص ۶۴۸).

البته سلیمان بجز مقام حکمت، به مقام پادشاهی نیز مفتخر بوده است. سلیمان یا در عبری شلموح (Shelomoh) عبری پُر از سلامتی)، پسر داوود و سومین پادشاه کشور اسرائیل و یهود بوده است (Landman, 1969, V.9, p. 636; Seters, 1987, V.13, p. 408). او پادشاه شاعر، موسیقی‌دان، و رهبر نظامی بزرگی بود که دوازده قبیله اسرائیل را به یک حکومت تبدیل کرد و اورشلیم را پایتخت مذهبی و سیاسی خود قرار داد (Lucks, 2009, p. 59-60).

خاستگاه سلیمان

داوود سی ساله بود که پادشاه شد و به‌مدت چهل سال سلطنت کرد (دوم سموئیل، ۵: ۴). براساس کتاب مقدس، سلیمان، پیامد ازدواج غیراخلاقی داوود به دنیا آمده است. سلیمان فرزند چهارم او از *بَتشَبَع* (Bath-Sheba) بود که در اورشلیم متولد شد (دوم سموئیل، ۵: ۱۳-۱۴؛ اول تواریخ ۱۴: ۴ و اول تواریخ ۳: ۵). دانشمندان یهودی، در نگاهی فرجام‌گرایانه، تولد او را چنان ارزشمند می‌دانند که در پرتو آن، گناه داوود در ازدواج با همسر سابق اوریا، که با نقشه داوود در جبهه جنگ کشته شد و زن او را به همسری گرفت و نیز گناهان خود سلیمان رنگ می‌بازد (Skolnik, 2007, V.18, p. 760). اساساً مقایسه زندگی داوود و سلیمان در عهد قدیم با گزارش قرآن کریم در این‌باره، نشان می‌دهد عهد قدیم چگونه ابزارانگاران در جهت اقتدار دنیوی یهودیان به گناهان افراد حتی در سطح پادشاهان و حکیمان آرمانی خود می‌نگرند. هرچند خداوند، سلیمان را دوست داشت و پیامی به وسیله ناتان نبی برای داوود فرستاد تا سلیمان را «دیدیدیا» یعنی محبوب خدا لقب دهد (دوم سموئیل، ۱۲: ۲۵-۲۴)، ولی نام سلیمان یا (Shelomoh) جایگزین «دیدیدیا» شد؛ زیرا آرامش (shalom) درسراسر حکومتش مستولی شد (A.Ro, 1972, p. 105). در کتاب مقدس، علاوه بر لقب محبوب خدا، از عنوان پسر خدا نیز برای سلیمان یاد می‌شود (اول تواریخ، ۲۲: ۷-۱۰).

منصوب شدن حضرت سلیمان به پادشاهی، با تأیید از سوی خداوند بوده است (اول تواریخ، ۲۸: ۵-۶). بر پایه عهد عتیق، جلوس سلیمان بر تخت پدرش، بدون مخالفت صورت نگرفت. ادونیا چهارمین پسر داوود، می‌خواست وارث تخت سلطنت شود، ولی ناتان نبی این توطئه را خنثا کرد (اول پادشاهان، ۱: ۱۱-۱۳). در آن هنگام، داوود به صادق کاهن، ناتان نبی و بنیاهوی دستور داد تا سلیمان را بر قاطر سوار کنند و او را به جیحون ببرند و در آنجا او را به پادشاهی اسرائیل مسح نمایند و آن‌گاه شیپور بنوازند و جار بزنند: جاوید باد سلیمان پادشاه! بنیاهو پاسخ داد: این انجام خواهد شد و باشد که خداوند خدای شما نیز آن را تأیید کند (همان: ۳۶-۳۲).

به هر حال، هنگامی که داوود درگذشت، سلیمان، جانشین پدر خود و پادشاه شد، و قدرت سلطنت او استوار گردید (اول پادشاهان، ۲: ۱۲-۱۰؛ اول تواریخ، ۲۳: ۱). با این حال، گفتنی است میلر، سلیمان تاریخی را از سلیمان کتاب مقدس متفاوت می‌داند. از نگاه او، داده‌های تاریخی و باستان‌شناختی دربارهٔ سازمان سیاسی خاورمیانه در آن روزگار، با گزارش‌های عهد قدیم از پادشاهی داوود، به‌ویژه سلیمان، سازگار نیستند (Skolnik, 2007, v.18, p. 755).

اما عهد قدیم، در بیانی مجازی، سلیمان را پسر خدا می‌خواند. قرآن در راستای رویکرد کلی و همیشگی خود به پیوندهای خویشاوندی خدا - انسان، سلیمان را بخشش الهی به داوود می‌داند (ر.ک: ص: ۳۰). و نزدیکی او به درگاه خدا را می‌ستاید (ص: ۴۰)، اما هرگز از پیوند مجازی پدر - پسر، میان خدا و سلیمان سخن نمی‌گوید.

قرآن، سلیمان را وارث داوود می‌داند (نمل: ۱۶)، و او را وارث پدرش داوود معرفی می‌کند. البته کلمه «میراث» معنایی فراتر از کاربرد امروزی ادبیات فارسی دارد. چنان‌که در مورد بهشت نیز به کار رفته است (سیوطی، بی‌تا، ج ۵، ص ۱۰۳؛ شوکانی، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۱۵۶). مفسران مسلمان، نگاه‌های متفاوتی به چیستی این وراثت دارند. شوکانی، این وراثت را تنها به پیامبری و دانش (شوکانی، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۱۴۹)؛ برخی دیگر (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۵، ص ۳۴۹)، آن را تنها به پادشاهی منحصر می‌کنند. برخی دیگر (فیض کاشانی، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۹۰۳؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۶۰)، آن را آمیزه‌ای از پادشاهی و پیامبری می‌دانند. گروهی دیگر (طوسی، بی‌تا، ج ۸، ص ۸۲؛ ابن‌شهر آشوب، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۲۵۰) بر این دو، دارایی را نیز می‌افزایند.

۳. حکمت سلیمان

در آگادا (Aggadah: Ginzberg, 1956)، کامل‌ترین اشارات در مورد حکمت و زندگانی سلیمان آمده است (Seters, 1987, v.13, p. 409). سلیمان دانش و فرزاندی شگفت‌انگیزی داشت (اول

پادشاهان ۳: ۱۲-۱۰، ۴: ۲۹-۳۴، ۱۰: ۲۳؛ دوم تواریخ ایام، ۹: ۳۱، ۱۱-۱۲)، حتی در قیاس با پدرش فرزانه‌تر می‌نمود (شفیعی، ۱۳۹۱، ص ۳۷۸؛ Comay, 2002, p. 319)؛ زیرا سلیمان در ابتدای حکومت خود، از خداوند حکمت می‌طلبد، تا بتواند با عدالت حکومت کند.

سلیمان خداوند را در خواب دید. خداوند به او گفت: چه می‌خواهی تا به تو بدهم؟ سلیمان پاسخ داد: پس به من حکمت بده تا بتوانم با قوم تو، به عدالت رفتار کنم و بتوانم فرق بین خوبی و بدی را تشخیص دهم. در غیر این صورت، من چگونه می‌توانم بر این قوم عظیم تو حکمرانی کنم. خداوند از این درخواست سلیمان خشنود گشت و به او فرمود: چون تو خواستار حکمت گشتی تا با عدالت حکومت کنی و نه عمر طولانی و ثروت برای خود یا مرگ دشمنانت، آنچه را که خواسته‌ای به تو خواهم داد. من به تو چنان اندیشه‌ای خردمند و بینشی روشن می‌دهم که هیچ‌کس مثل تو نداشته و نخواهد داشت (اول پادشاهان، ۳: ۱۵-۵).

نماد حکمت عهد قدیم و حکیم حکیمان تورات، سلیمان است. چنان‌که بیشتر کتاب‌های حکمت‌آمیز این مجموعه به او منسوب است. از نظر برخی نویسندگان یهودی، او در سنت، مقیاس و معیار حکمت بوده است (Scott, p. 557؛ سلیمانی اردستانی، ۱۳۸۴الف، ص ۱۴۱). برخی او را خردمندترین فرد در تاریخ اسرائیل به‌شمار می‌آورند (Singer, 1901, v.11, p. 436؛ Comay, 2002, p. 325). از این‌رو، کتاب‌ها و آثار حاخامی فراوانی دربارهٔ قصه‌های حکمت سلیمان یافت می‌شود (Karehsh and Hurvitz, 2006, p. 487). شمار فراوان حکمت‌ها و سروده‌های به‌جای‌مانده از او (اول پادشاهان، ۴: ۳۲)، یا منسوب به او، پاسخ‌های او به پرسش‌های دشوار ملکه سبا، و داوری‌های هوشمندانه او را می‌توان بازتاب همین ویژگی دانست (شفیعی، ۱۳۹۱، ص ۳۷۸؛ Wigoder, 2002, p. 728؛ Landman, 1969, v.9, p. 636).

در سنت یهودی، بیش از ۳۰۰۰ مثل و ۱۰۰۵ سرود و چندین اثر علمی از سلیمان به جای مانده است. بنابر روایت کتاب مقدس،

خدا به سلیمان پیش و خردی شگفت‌انگیز و دانشی بی‌نهایت بخشید. سلیمان از خردمندان شرق و مصر خردمندتر بود. او خردمندترین مرد بود. همچنین او سه هزار مثل گفت و یک هزار و پنچ سرود نوشت. او دربارهٔ درختان و گیاهان از درخت سرو لبنان گرفته تا زوفا، که در روی دیوار می‌رویند، سخن گفت. او همچنین دربارهٔ حیوانات، پرندگان، خزندگان و ماهیان سخن گفت. مردم از همه جا می‌آمدند تا حکمت سلیمان را بشنوند و نمایندگان پادشاهان روی زمین برای مشورت پیش او می‌آمدند (اول پادشاهان، ۴: ۳۴-۲۹).

همچنین، همه پادشاهان جهان به حضور سلیمان می‌آمدند تا حکمتی را که خدا در دل او نهاده بود، بشنوند (دوم تواریخ، ۹: ۲۳؛ دوم تواریخ، ۹: ۲۲؛ و اول پادشاهان، ۱۰: ۲۳).

قرآن هفده بار از سلیمان نام می‌برد (بقره: ۱۰۲؛ نساء: ۱۶۳؛ انعام: ۸۴؛ انبیاء: ۷۸، ۷۹ و ۸۱؛ نمل: ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۳۰، ۳۶، ۴۴؛ سبأ: ۱۲؛ ص: ۳۰ و ۳۴)، و به هر دو کارکرد مسئولیتی (پادشاهی و داوری) (بقره: ۱۰۲؛ انبیاء: ۷۸-۷۹؛ سبأ: ۱۲-۱۳؛ ص: ۳۵-۴۰) و معرفتی (دانش و فرزاندی) (انبیاء: ۷۹؛ نمل: ۱۵، ۱۶، ۱۹ و ۲۲) او اشاره می‌کند، و

پادشاهی اش را بی مانند می خواند. در این باره، از امام موسی علیه السلام نقل شده است که خداوند پیغمبری را بر نگزید مگر عاقل، و بعضی در عقل کامل تر از بعضی دیگر بودند. داوود و سلیمان را خلیفه نکرد تا عقلشان را آزمود و سلیمان در ابتدای خلافت سیزده ساله بود و چهل سال سلطنت کرد (مجلسی، بی تا، ج ۱۱، ص ۵۵؛ جزائری، ۱۴۰۴ق، ص ۳۶۲).

قرآن در مورد حضرت داوود و سلیمان سخن را از «علم و آگاهی» این موهبت الهی آغاز کرده، می گوید: «ما به داوود و سلیمان علم قابل ملاحظه‌ای بخشیدیم (نمل: ۱۵). زیربنای تحول و دگرگونی در جامعه انسانی «دانایی» است. علم و دانشی که در اینجا مطرح می شود، همه علوم مورد نیاز یک جامعه الهی را دربر می گیرد. قرآن از دانش وسیعی که خدا به داوود و سلیمان ارزانی داشته، یاد می کند و بی درنگ می فرماید که آنان در برابر این بخشش الهی شاکر و سپاسگزار بودند (رسولزاده، ۱۳۸۹). از این رو، برخی مفسران مسلمان (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۹، ص ۷۲)، دانش سلیمان را بالاتر از داوود می دانند، و این دانش سرشار را مایه گزینش او به جانشینی داوود می دانند. آنچه آشکار است اینکه، درباره حکمت سلیمان و دانشی که خداوند به او داده است، در کتب قرآن و عهد قدیم اختلافی نیست، یا اختلافات بسیار اندک است، اما درباره زندگی و شخصیت او بین این کتابها اختلافات آشکاری وجود دارد.

آثار منسوب به سلیمان

یکی از کتابهای قانونی ثانی حکمت سلیمان و سه کتاب عهد عتیق: *امثال*، *جامعه*، و *غزل غزلها* یا *غزل سلیمان*، به سلیمان منسوب است. «انتساب این سه کتاب به سلیمان، وی را به عنوان انسان حکیم شاخص یهودیان معرفی می کند» (Brown, 2005, v. 14, p. 9763). کتاب *غزل غزلها*، عشق و امید سلیمان جوان را نشان می دهد. *امثال*، حکمت و دانایی اش را در میانسالی نشان می دهد و کتاب *جامعه*، اندیشه‌های فیلسوفانه اش را در سالهای آخر عمر به تصویر می کشد (Karehsh and Hurvitz, 2006, p. 487).

امثال سلیمان: برترین نماد نوشته شده سلیمان این اثر است؛ کتابی که بیش از همه واژه «حکمت» در آن به کار رفته و تقریباً همه معانی به کاررفته در عهد قدیم را دربر می گیرد. این کتاب، به توصیف حکمت و ارزش آن پرداخته و آن را ارزشمندترین امور معرفی می کند (امثال سلیمان، ۱: ۷-۱). این کتاب، گلچین ادبی بسیار نفیسی از پند و اندرزهای حکیمانه است. بررسی نقادانه کتاب *امثال سلیمان* نشان می دهد که ترکیب کنونی آن، شامل چندین قرن است. هرچند بخش عمده‌ای از این مجموعه، مربوط به سلیمان باشد، قسمت‌هایی از آن در زمانهای دیرتری مانند ایام حزقیال (حدود ۷۷۰ ق.م) و حتی دیرتر از آن اضافه شده است. در زبان عبری، به «مثل»، ماشال یا مثل می گویند. این کتاب در مجموع ۹۱۵ مثل را در خود جای می دهد (رسولزاده، ۱۳۸۹). از نکته‌های مهم در این کتاب، خودنمایی «حکمت» در

مقابل «حماقت» است. مضامینی که در امثال سلیمان نهفته است، همه به نوعی با شریعت در ارتباط هستند. عدالت، شناخت، پرهیزگاری، عفت، تلاش، خودداری، توکل، عشریه‌ها، خصلت ثروتمندان، حمایت از فقیران، کنترل زبان، مهربانی با دشمنان، مضامین اصلی حکمت‌های سلیمان هستند. در واقع، سخنان حکمت‌آمیز سلیمان به صورت عقلی و اخلاقی، همان شریعت خداوندی است که به صورت تمثیل و حکایت بیان شده است (حیدری و پاشایی، ۱۳۸۹).

با این حال، لازم به یادآوری است که در این کتاب، تنها در یک فراز گویا از نبی سخن به میان آمده و آن هم به قرینه وحی است: «فرمان پادشاه مانند وحی قاطع است، پس او نباید در قضاوت اشتباه کند» (امثال، ۱۶: ۱۰). از سوی دیگر، به نظر می رسد یهودیان برای نبوت معنای ویژه‌ای قائلند که پیشگویی است و پیامبران بزرگی همچون اشعیا، ارمیا، حزقیال، و هوشع به عنوان نبی یعنی پیشگو شهرت دارند (توفیقی، ۱۳۸۳، ص ۸۸). از این رو، یهودیان، سلیمان را از پادشاهان خود می دانند، نه نبی و پیشگو. در حالی که قرآن حضرت سلیمان را از بندگان صالح و در زمره انبیاء به شمار می آورد (ر.ک: نساء: ۱۶۳؛ انعام: ۸۶-۸۴).

کتاب جامعه: این کتاب را می توان یک فلسفه بدبینانه قلمداد کرد که تحت تأثیر برخی فلسفه‌های بدبینانه و لذت‌جویانه یونانی نوشته شده و از این رو، کتاب فلسفی قلمداد می شود. محتوای کتاب بین ایمان و تردید، امید و یأس، لذت و رنج، مفهوم زندگی و پوچی، در نوسان است. نویسنده کتاب می داند که انسان خاکی مجبور است زمان حال را پشت سر گذاشته، به سوی آینده در حرکت باشد. انسان تشنه امید است، ولی از آینده آگاهی ندارد. پس بهتر است که از زمان حاضر لذت ببرد (۳: ۱۲-۱۱). این کتاب قصد دارد پاسخی فلسفی به چگونگی زندگی بهتر در دنیایی که همه چیز آن باطل است، ارائه دهد. کتاب، شامل نکات بسیاری از حکمت متعالی و برتر می باشد. واژه کلیدی این کتاب «بطالت» است که ۳۷ بار در این کتاب تکرار شده است. در این کتاب، لحن گفتار سلیمان با کتاب امثال بسیار متفاوت بوده، و حزن و اندوه بر آن حاکم بوده است. گویی نویسنده در این کتاب کاملاً از دنیا و امور آن دل بریده (۱: ۱۴) و حتی کسب حکمت را، که در کتاب امثال به آن بسیار تأکید می کند، نیز بیهوده برمی شمرد. با این حال، آن را بهتر از ثروت‌اندوزی دانسته و عامل قدرت‌بخشی آدمی می داند (۲: ۱۴-۱۵؛ ۷: ۱۱ و ۱۹). حتی پس از غور و بررسی زیاد درمی یابد که حکمت با ارزش تر است و «برتری حکمت بر حماقت، مثل برتری نور بر تاریکی است» (جامعه، ۲: ۱۳). اینکه چرا وی تا این حد دنیا را بیهوده دانسته، شاید بتوان برآمده از شناخت عمیق وی نسبت به خدا و زندگی پس از مرگ، در مرحله بالاتری از زندگی و در اواخر عمر دانست.

در مجموع، در کتب حکمت‌آمیز منسوب به سلیمان، در باب ماهیت حکمت و خصوصیات آن، اقوال و سخنان فراوانی آمده است. از جمله اینکه خداوند بخشنده حکمت است و عقل و دانایی از جانب اوست (امثال، ۲: ۶). ترس از خداوند، ابتدای حکمت است (امثال، ۱: ۷). خداترسی به انسان حکمت می‌آموزد (امثال، ۱۵: ۳۳). از این فقره، می‌توان دریافت که حکمت عهد قدیم از سنخ شناخت و معرفت و فهم است؛ شناخت و معرفتی که به زندگی جهت می‌دهد و انسان را به سوی سعادت رهنمون می‌شود. مهم‌ترین و اساسی‌ترین معرفتی که حکمت به انسان می‌دهد، خداشناسی است و با خداترسی و اطاعت از او و شناخت او حکمت حاصل می‌شود (سلیمانی اردستانی، ۱۳۸۴ الف).

افزون بر این، تحصیل حکمت از هر کاری ارزنده‌تر است (امثال، ۴: ۷). حکمت از جواهرات گران‌بها تر و از هر چه آرزو کنی با ارزش‌تر است (امثال، ۳: ۱۵). کسب حکمت بهتر است از اندوختن طلا و نقره (امثال، ۱۶: ۱۶). حکمت بهتر از هر سلاح جنگی است (جامعه، ۹: ۱۸). در این میان، در باب فواید و مزیت‌های حکمت چنین سخن رانده‌اند که حکمت عمر دراز و ثروت و احترام می‌بخشد (امثال، ۳: ۱۶). انسان را از زنا و سخنان فریبنده زنان بدکاره محافظت می‌کند (امثال، ۲: ۱۶). لب‌ها را خندان می‌کند و غم را از دل می‌زداید (جامعه، ۸: ۱). عمر انسان را طولانی می‌کند (امثال، ۹: ۱۱). انسان را بزرگ و محترم می‌سازد (امثال، ۴: ۸). در زندگی انسان را کامیاب کرده و به راه امنیت و شادمانی راهنمایی می‌کند (امثال، ۳: ۱۷). کسی که حکمت می‌آموزد، آینده خوبی در انتظار اوست و امیدهای او بر باد نمی‌رود (امثال، ۲۴: ۱۳). حکمت برای کسانی که از آن برخوردارند، چشمه حیات است (امثال، ۱۶: ۲۲). کسی که برای حکمت ارزش قایل شود، سعادت‌مند خواهد شد (امثال، ۱۹: ۸). با این‌همه، حکمت نصیب چه کسانی می‌شود؟ در کتاب **جامعه** آمده است: «خدا به کسانی که او را خشنود می‌سازند، حکمت، دانش و خوشی می‌بخشد» (جامعه، ج ۲، ص ۲۶). «حماقت نصیب نادانان می‌شود و حکمت نصیب عاقلان» (امثال، ۱۴: ۱۸؛ ر.ک: امثال، ۱۴: ۳۳).

غزل غزل‌ها: قرار گرفتن **غزل غزل‌ها** در مجموعه کتاب‌های عهد عتیق، به‌عنوان یک معما باقی مانده است. این کتاب، مجموعه‌ای از ترانه‌های یهودی است که از زبان عاشق و معشوق و در وصف یکدیگر سروده شده‌اند و یهودیان آنها را در عروسی‌ها می‌خوانده‌اند. تفسیر لغوی این کتاب، از عشق انسانی سخن می‌گوید، ولی یهودیان این غزل‌ها را به تصویری از رابطه بین خدا و قوم بنی‌اسرائیل تأویل می‌کنند. موارد دیگری نیز در کتاب مقدس وجود دارد که آن را به «ازدواج روحانی» تأویل کرده‌اند. در مجموعه کتاب‌های سوڈاپیگراف (نوشته‌های جعلی) نیز چند برگ به نام «غزل‌های سلیمان» وجود دارد (رسول‌زاده، ۱۳۸۹). در واقع، این کتاب مجموعه‌ای از اشعار عاشقانه است که در آن گاهی

سراینده، محبوبه خود را وصف می‌کند و گاهی بر عکس، محبوبه در وصف او سخن می‌گوید: «خداوند در این کتاب مورد اشاره قرار نگرفته است و متن کتاب بیشتر شبیه شعر عاشقانه است تا متون مذهبی. سنت یهود این کتاب را به‌عنوان اثر سلیمان توصیف می‌کند، گرچه محققان کتاب مقدس معتقدند که پس از زمان سلیمان نوشته شده است» (Karesh and Hurvitz, 2006, p. 488). ربی عقیوب‌بن یوسف معتقد است: این کتاب باید به‌عنوان یک تمثیل برای عشق بین خدا و مردم اسرائیل فهمیده شود. داستانی که با عشق شروع می‌شود، عشقی که بین خروج بنی‌اسرائیل از مصر و ازدواج در کوه سینا توسعه می‌یابد، و به‌وسیله عهد سمبولیک می‌شود (Ibid, p. 489).

کتاب «حکمت سلیمان»: پس از حمله اسکندر در قرن چهارم پیش از میلاد و گسترش فرهنگ هلنیسم در بخش‌های وسیعی از جهان، یهودیان دو کانون مهم فکری، فرهنگی و مذهبی داشتند: یکی در فلسطین بود که آثار مهمی به زبان عبری بر جای نهاد، و دیگری در اسکندریه مصر، که به‌شدت از هلنیسم متأثر بود و زبان نگارش کتب دینی آنان یونانی بود. حکمت سلیمان و شش کتاب دیگر از جمله آثار مقدسی است که در واپسین سده‌های پیش از میلاد در اسکندریه به نگارش درآمده است. گرچه نگارش این آثار در این دوره‌ها صورت گرفته، اما مانند سایر کتب عهد قدیم، می‌توانند برآمده از اندیشه‌ها، سنت‌ها و تاریخ قرون کهن‌تر باشند. به هر حال، در دوره رسمیت بخشیدن نهایی، مجموعه کتاب مقدس در سال ۷۰ میلادی، یهودیان فلسطین فقط آثار عبری را پذیرفتند و از پذیرش آثار یونانی‌زبان سرباز زدند. مسیحیان نیز با وجود اینکه عهد جدید آنان به زبان یونانی بود، این هفت کتاب را در شمار سایر عهد قدیم نمی‌دانستند، ولی در سده‌های بعد، سرانجام کاتولیک‌ها در شورای ترنت این ۷ یا ۸ کتاب را به‌عنوان کتاب‌های قانونی (کانونی) ثانی و پروتستان‌ها در قرن شانزدهم، به‌عنوان کتب **اپوکریفا** (کتب مخفی و سری) پذیرفتند (محمدیان و دیگران، ۱۳۸۰، ص ۲۴۳).

این کتاب در ترجمه سبعینیه، «حکمت سلیمان» و در ترجمه **ولگاتا**، «حکمت» نامیده شده است. پدران کلیسا بر این باورند که نویسنده ناشناس کتاب، از اشتهار سلیمان به حکمت استفاده کرده و نام او را بر کتاب خود نهاده است (رسول‌زاده، ۱۳۸۹). برخی معتقدند که این کتاب، نزدیک یک قرن پیش از میلاد در اسکندریه تدوین یافته است. در متن «قانون موراتوری» آمده است که کتاب «حکمت» را یاران سلیمان به افتخار او نوشته‌اند (همان، ص ۱۶۶).

با این حال، حکمت سلیمان را می‌توان جدیدترین کتاب عهد قدیم دانست که در اسکندریه بین سال‌های ۳۰ تا ۸۰ پیش از میلاد به نگارش درآمده است (همان، ص ۲۵۳). به‌دلیل اینکه این اثر در دهه اخیر در ایران ترجمه شده، در میان مخاطبان فارسی زبان کاملاً ناشناخته و شایسته توجه خاص است.

حکمت سلیمان، که نویسنده به عنوان سخنان سلیمان معرفی می‌کند، در سه بخش تدوین شده است: بخش نخست (فصل‌های ۱ تا ۶) به خوانندگان توصیه می‌کند که با دوری جستن از بدی‌ها، در پی دریافت حکمت برآیند؛ زیرا آدمی از بهر نامیرایی آفریده شده که در گرو حکمت است. در بخش دوم (از ۶/۲۵ به بعد)، از زبان سلیمان شرح می‌دهد که از چه روی و چگونه وی در جوانی مایل به کسب حکمت شد و چه محسناتی به او رسید. بخش سوم (از فصل دهم به بعد)، در این باب است که چگونه حکمت، قهرمانان سفر پیدایش و خروج را نجات بخشید (کتاب‌هایی از عهد قدیم، ۱۳۸۰، ص ۳۴۱-۳۴۲). نویسنده کتاب به شدت در برابر بت‌پرستی موضع می‌گیرد. همچنین زندگی پس از مرگ در این کتاب، برخلاف سایر بخش‌های عهد قدیم پررنگ‌تر شده است.

با این حال، آنچه قابل تأمل است، اینکه در قرآن کریم، سخن از هیچ اثر مکتوبی به حضرت سلیمان نیست.

حکومت سلیمان

چنانکه گفته شد، با وفات داوود، سلیمان مدعیان تاج و تخت را از بین برد و با اقتدار، بر تخت حکومت نشست. آن‌گاه همه بنی‌اسرائیل از او اطاعت کردند (اول تواریخ، ۲۹: ۲۳). خداوند خدای او، با وی بود و او را بسیار قوی ساخت (دوم تواریخ، ۱: ۱). سلیمان، دارای حکومتی بسیار با عظمت بود.

سال‌های اولیه حکومت سلیمان به عنوان عصر طلایی اسرائیل شناخته می‌شود. هر چند که وی قلمرو حکومت را فراتر از داوود گسترش نداد. با این همه، کشور را به لحاظ سیاسی مستحکم کرد و یک دوره پیشرفت و ترقی را آغاز کرد (Karesh and Hurvitz, 2006, p. 487).

در خصوص زمان دقیق حکومت سلیمان اختلاف وجود دارد، چنان‌که *دایرةالمعارف جودائیکا* سال‌های حکومت سلیمان را حدوداً از ۹۶۵ تا ۹۲۵ قبل از میلاد بیان کرده است (Ibid)، ولی *دایرةالمعارف دین* نیز سال‌های حکومت سلیمان را ۹۶۰ تا ۹۲۰ ق.م. عنوان می‌کند (Seters, 1987, v.13, p. 408). همچنین آمده است که سلیمان از ۹۷۱ تا ۹۳۱ ق.م. به مدت چهل سال پادشاهی کرد (رسول‌زاده، ۱۳۸۹). در عین حال، کتاب مقدس نیز بر آن است که حکومت سلیمان، به مدت چهل سال بوده است (ر.ک: دوم تواریخ، ۹: ۳۰؛ اول پادشاهان، ۱: ۴۲). با این همه، هر چند اختلاف عددی وجود دارد، اما در مجموع به نظر می‌رسد که ۴۰ سال یک عدد گرد شده باشد که برای اشاره به یک نسل به کار می‌رفت. عدد چهل، بارها در کتاب مقدس به کار رفته است (همان).

در حقیقت، سلیمان با اداره حکیمانه امور داخلی و خارجی کشور، حکیم بودن خود را به نمایش گذاشت. سلیمان، سیاست‌مداری فرزانه، جنگاوری بزرگ و مدیری توانا بود. او با اندیشه‌مدار، به این

حقیقت رهنمون شده بود که تنها در صورتی خواهد زیست که با همسایگانش به تفاهم برسد. یکی از وسایل برای رسیدن به این تفاهم و نیز انتشار دعوت او، ایجاد رابطه خویشاوندی با پادشاهان و امیران همسایه بود. وی با فرعون مصر نیز چنین رابطه‌ای برقرار کرد. چنان‌که *مصری*، بانوی نخست کشور او بود (اول پادشاهان، ۳: ۱). این ازدواج‌ها، به سلیمان کمک کرد که اقلیم جازز را نیز به کشور خویش ضمیمه کند. جازز از مهم‌ترین مراکز بازرگانی در خاور نزدیک کهن بود (متنظرالقائم و سلیمانی، ۱۳۸۸). سلیمان بجز دختر فرعون، از دختران هریک از امیران عمونی، موآبی، آرامی، و کنعانی، یکی را به زنی گرفته بود. «با زنانی از موآب، عمونیان، آدمیان، صیدونیان و حتیان ازدواج کرد؛ او هفتصد همسر، که همه از شاهزادگان بودند و سیصد صیغه برای خود گرفت» (اول پادشاهان، ۱: ۱۳-۱).

عهد قدیم، ازدواج با زنان بیگانه را مایه گمراهی، گناه، دوری از خدا (اول پادشاهان، ۱۱: ۳-۴) و فروپاشی پادشاهی‌اش می‌داند (اول پادشاهان، ۹: ۶-۹؛ اول پادشاهان، ۱۱: ۳). می‌توان داستان همسران سلیمان، زنان بیگانه و بت‌پرستی، که دل پادشاه بی‌همتای یهود را از خدای آشنای آنان دور، و او را به ستایش خدایان بیگانه وادار می‌کند و نیز لزوم پرهیز از آمیزش، به‌ویژه ازدواج با غیریهودیان را، آمیزه‌ای از دو آموزه گمراهی آدم به دست حوا، و برتری نژادی یهود، برخاسته از پیوند خویشاوندی ویژه آنان با خدا دانست. از سوی دیگر، قرآن کافر شدن سلیمان را نمی‌پذیرد، بلکه آن را به «الشیاطین» نسبت می‌دهد (بقره: ۱۰۲). اختلاف زیاد مفسران مسلمان در تفسیر بخش‌های گوناگون این آیه، شگفت‌انگیز است. علامه طباطبائی، دست‌کم چهارده نمونه از آنها را برمی‌شمارد (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۲۳۳؛ ر.ک: شفیع، ۱۳۹۱).

در حقیقت، قرآن کریم ساحت سلیمان را از آلودگی به سحر مبرا دانسته است. اما به گفته کافران، غلبه سلیمان به سبب سحر بود و مؤمنان برآنند که او بنده خدا بود و آنچه می‌کرد، به اعجاز پیامبری و به قدرت ربّانی بود، ولی شیاطین کافر شدند که جادو را به مردم تعلیم کردند (فیض‌کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۱۷۰). با این حال، سلیمان هرگز سحر نکرد و به خدای خود کافر نشد و شیاطین سحر را به سلیمان نسبت می‌دادند. درحالی‌که آن حضرت از آن مبرا بود. همچنین آن را به هاروت و ماروت نسبت می‌دادند. درحالی‌که منزلت آنها حفظ شرع و دین و دعوت به سوی خیر بود و معتقد بودند که سحری که آنان تعلیم یافته بودند از جانب خدا آموخته بودند. درحالی‌که این سخن باطل است؛ چراکه سحر کفر است و شایسته خدا نیست و درست نیست که خداوند انبیاء را بفروستد تا به مردم جادوگری بیاموزد! (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۳۵۱-۳۵۵). بر همین اساس، سلیمان مقامش بلندتر و ساحتش مقدس‌تر از آن است که سحر و کفر به وی نسبت داده شود. برای اینکه خداوند قدر او را عظیم شمرده

و او را بنده‌ای صالح، و نبی مرسل خوانده است. چنین کسی ساحر نمی‌شود، بلکه داستان ساحری او از خرافات کهنه‌ای است که شیطان‌ها از پیش خود تراشیده، و بر اولیاء انسی خود خواندند و با اضلال مردم و سحرآموزی به آنان کافر شدند.

مورخان یهودی، سلیمان را به لحاظ سیاسی به عنوان فردی «محافظة‌کار» معرفی می‌کنند. همچنین او با زنان بیگانه ازدواج کرد تا حکومت را که به لحاظ اجرایی به هویت‌های قبیله‌ای کهن تقسیم شده بود، به یک هویت ملی از نو سروسامان دهد (Kareh and Hurvitz, 2006, p. 487). در دوره سلطنت سلیمان، جنگ و نزاعی روی نداد و متصرفاتی تازه ضمیمه سرزمین یهودیان نشد، ولی سلیمان با بینش سیاسی بی‌نظیر، اهمیت حکومت و موقعیت خود را به پایه امپراتوری‌های زمان خود بالا برده، در زمره بزرگ‌ترین دولت‌های آن روز درآورد. سلیمان با دولت‌های بزرگ پیمان دوستی و موذت بست (ابان، ۱۳۵۸، ص ۴۱).

به گفته کتاب مقدس، سلیمان دوازده نفر استاندار برای تمام قلمرو حکومت خود انتخاب کرد و آنها مسئول تهیه غذای دربار بودند (اول پادشاهان، ۴: ۷). البته بجز این دوازده نفر، مقام دیگری بود که مسئول تمام سرزمین بود (همان: ۱۹).

مورخان در این باره اتفاق نظر دارند که سلیمان به ضرورت تشکیل لشکری نیرومند برای دفاع از دولت پی برده بود. منابع تاریخی کاربرد نخستین بار «ارابه‌های جنگی» را در سپاه یهود به سلیمان نسبت می‌دهند. سلیمان اربه‌های جنگی را در دستور کار خود قرار داد (متظرالقائم و سلیمانی، ۱۳۸۸؛ رک: دوم تواریخ، ۱: ۱۷-۱۴).

در خصوص گستره حکومتی سلیمان و صلح و آرامش و کامیابی حکومت او، براساس گزارش عهد قدیم: جمعیت مردم اسرائیل و یهودا مانند ریگ دریا بی‌شمار بود؛ آنها می‌خوردند و می‌نوشیدند و شادمان بودند. قلمرو پادشاهی سلیمان شامل تمام ملت‌ها از رود فرات و فلسطین تا مرز مصر می‌بود که در تمام طول عمر او مطیع بودند و به او مالیات می‌پرداختند. قلمرو فرمانروایی او را تمام قسمت غربی رود فرات و از نَفَس تا غزه و تمام سرزمین‌های پادشاهان ماورالنهر تشکیل می‌دادند. و در سراسر سرزمین‌های اطراف او صلح و آرامش حکمفرما بود (اول پادشاهان، ۴: ۲۴-۲۰؛ اول پادشاهان، ۵: ۴ و اول پادشاهان، ۱۰: ۲۷).

در خصوص گستره حکومتی سلیمان از امام باقر علیه السلام روایت شده است که ملک سلیمان مابین بلاد اصطخر بود تا بلاد شام (مجلسی، بی‌تا، ج ۱۴، ص ۷۰؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۳۴۰). همچنین آمده است که به سلیمان، سلطنت شرق و غرب داده شد، او هفتصد و شش ماه بر همه اهل دنیا از جن، انس، جنبنده، پرنده و درنده حکومت کرد و دانش هر چیزی به او داده شده و از نطق پرندگان آگاهی داشت (مجلسی، بی‌تا، ج ۱۴، ص ۸۰؛ ابن عطیه اندلسی، ۱۴۲۲ق، ص ۵۰۱).

بنابر آیات قرآن (نمل: ۱۶)، خداوند به سلیمان زبان مرغان را آموخت. عده‌ای برآنند که سلیمان

معنای صوت مرغان را می‌فهمید. از این رو، در مورد آنان مجاز نطق به کار رفته است (حائری تهرانی، ۱۳۷۷، ج ۸، ص ۸۳؛ طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۷، ص ۳۳۵). همچنین کسانی معتقدند که برخی از مرغان مثل طوطی سخن می‌گویند، پس معنای این تکلم، حقیقی است نه مجازی (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۷، ص ۳۶۹؛ رک: چاووشی، ۱۳۹۰). برخی دیگر از منابع یهودی، براساس آیه‌ای از عهد قدیم (اول پادشاهان، ۴: ۳۳)، سلیمان را دارای توانایی سخن گفتن با جانوران و پرندگان می‌شناسند (Singer, 1901, v.11, p. 637; landman, 1969, v.9, p. 759; skolnik, 2007, v.18, p. 437) و «مطابق اسطوره‌های یهودی، او فقط بر انسان‌ها حکومت نمی‌کرد، بلکه بیشتر حیوانات، پرندگان هوا، اجنه، ارواح، و اشباح شب نیز تحت فرمانروایی او بودند. او زبان همه آنها را می‌شناخت و آنها نیز زبان او را می‌فهمیدند» (Lucks, 2009, p. 61).

قضاوت و داوری سلیمان

سلیمان در بسیاری از رشته‌های علوم، همانند علوم خفیه و علوم غیبی تسلط داشت. بسیاری از داستان‌ها در آگادا درباره توانایی سلیمان در باب قضاوت عادلانه گفته شده است (Seters, 1987, v.13, p. 409). به گفته سلیمان، قاضی نباید در داوری از کسی طرفداری کند (امثال، ۲۴: ۲۳): «دهان خود را بازکن و با عدالت داوری کن» (امثال، ۳۱: ۹). کتاب مقدس، یکی از داوری‌های سلیمان حکیم را بیان می‌کند:

سلیمان برای داوری بین دو زنی که مدعی مادری یک فرزند بودند گفت: «یک شمشیر برایم بیاورید. وقتی شمشیر را آوردند، او دستور داد: کودک زنده را نصف کنید و به هر کدام یک قسمت بدهید. مادر واقعی که قلبش لبریز از محبت برای پسرش بود، به پادشاه گفت: «ای پادشاه کودک را نکشید و او را به این زن بدهید.» اما زن دیگر گفت: به هیچ کدام از ما ندهید و او را دو پاره کنید. پس سلیمان گفت: این کودک را نکشید، او را به زن اولی بدهید. او مادر واقعی است» (اول پادشاهان، ۳: ۲۸-۱۶).

از نگاه قرآن کریم (ص: ۲۰)، حضرت سلیمان دارای مقام داور نیز بوده است. نمونه داوری و قضاوت آن حضرت در قرآن آمده است (انبیا: ۷۸-۷۹). بر حسب آیات مذکور، روزی دو نفر به محکمه داوود آمدند. یکی دهقان بود که ایلیا نام داشت، و یکی گوسفنددار بود که او را یوحنا می‌خواندند. ایلیا گفت: ای داوود نبی، همسایه من یوحنا، شب هنگام گله خود را می‌چرانید و به کشت‌زار من وارد شد و تمام آن را خورد. داوود فرمود: حساب کنید بهای ذرع و گوسفندان چقدر است؟ سپس حکم کرد که گوسفندان را به ایلیا دهد تا صاحبی کند. عادت سلیمان بر این بود که برای محکمه می‌نشست و هر که نزد پدرش می‌آمد، حکم پدر را تفسیر می‌کرد و چون ایلیا و یوحنا از محکمه خارج شدند و سلیمان از مضمون قضیه آن دو مطلع شد، سلیمان وارد محکمه شد و به پدرش گفت: اگر حکمی غیر از این می‌کردی بهتر بود. داوود گفت: چه حکمی؟ سلیمان گفت: گوسفندان را به یوحنا بده تا از شیر، روغن،

در قرآن، داستان ههد و ملکه سبا در سوره نمل، آیات ۲۰ تا ۴۴ آمده است. البته در این آیات واژه «سبا» آمده است، نه ملکه سبا؛ و از سوی دیگر در عهد عتیق با لفظ «ملکه سبا» سخن رانده شده است. در عهد عتیق ملکه سبا پس از شنیدن آوازه حکمت سلیمان برای امتحان کردن او به دیدارش می‌رود، اما در قرآن بلقیس پس از دستور سلیمان مبنی بر تسلیم به نزدش می‌رود. آنچه که از مقایسه دو روایت بر می‌آید آنست که سخنی از خبر آوردن ههد، فرستادن نامه، احضار تخت بلقیس، عبور بلقیس از آبنگینه در عهد عتیق نیست.

معبد سلیمان

می‌توان گفت: از جمله موفقیت‌ها و دستاوردهای سلیمان، حتی شاهکار او، بنیان‌گذاری ساختمان نیایشگاه اورشلیم بوده است (اول پادشاهان، باب‌های ۵ تا ۸، Skolnik, 2007, v. 18, p. 637; Landman, 1969, v.9. p. 637; Seters, 1987, v.13, p. 409). ساختن این معبد یکی از آرزوهای حضرت داوود بود.

اما از آنجاکه داوود مرتکب گناه شده بود، ساختن معبد مقدس اورشلیم به عهده سلیمان گذاشته شد (Karesh and Hurvitz, 2006, p. 487). بنابر کتاب مقدس، براساس وصیت پدر، سلیمان، سی هزار کارگر از سراسر اسرائیل به بیگاری گرفت و همچنین هفتاد هزار باربر و هشتاد هزار سنگ‌تراش در کوهستان داشت. او سه هزار و سیصد سرکارگر برای نظارت بر کارها گماشت (اول پادشاهان، ۵: ۱۶-۲؛ رک: اول پادشاهان، فصل‌های ۹-۵).

طراحی معبد را معماری از اهالی صور انجام داد و صنعتگران آن نیز بیگانه بودند: نقشه و تزئینات معبد حاکی از آن است که هریک از فرهنگ‌ها و آیین‌های کنعانی، مصری و بین‌النهرینی در ساخت آن نقش داشته‌اند (اسمارت، ۱۳۸۳، ص ۱۵). اجرای این پروژه عظیم وقت و انرژی حضرت سلیمان از سال چهارم تا سال یازدهم حکومت وی را به خود اختصاص داد. بدین منظور، هرام، پادشاه قوم تیر، و کارگران ماهر فنیقی وی، حضرت سلیمان را یاری رساندند. کارگران مزبور مسئولیت قطع کردن و حمل الوارها، قطع و شکل دادن سنگ‌ها و ریختن اشیای برنزی را بر عهده داشتند (بیتس، ۱۳۷۸، ص ۵۸۸).

او معبد باشکوه را بنا کرد تا مأمّن ثابتی برای صندوق عهد باشد که به مدت مدیدی نماد حضور یهوه در میان مردمش بود. به غیر از جنبه دینی و اساطیری‌ای که جایگاه خیمه عهد و تابوت عهد در کسب پیروزی قوم یهود داشت، معبد نیز به علت مهیا کردن یک مرکز اصلی مذهبی - سیاسی، اتحاد و پیوستگی اجتماعی و سیاسی بیشتری را برای حکومت سلیمان فراهم کرد (Karesh and Hurvitz, 2006, p. 487).

پشم و مو (غرامت زرع) بهره‌گیر و زرع را به یوحنا بده تا غم آن خورده و به مرتبه‌ای که اوّل بود، برساند و آن را به ایلیا تسلیم کند و هیچ کدام بی‌بهره نمی‌مانند و این حکم نشانه حکمت او برای نائل شدن به پادشاهی بنی‌اسرائیل پس از پدرش بود (عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۴۴۲).

ملکه سبا و سلیمان

بر طبق تورات، ملکه قوم «سبا» یا سبا، پادشاه سرزمین باستانی سبا بوده است، که با سلیمان ملاقات کرده است. وقوع داستان‌های تورات در مورد قصه سلیمان و ملکه سبا، با توجه به نشانه‌های دینی و تاریخی آن، امکان دارد. البته «از نظر منابع یهودی و مسیحی، ملکه سبا برای جست‌وجوی حکمت سلیمان با وی ملاقات کرده است، اما در منابع اسلامی گفته شده که وی مجبور به انجام چنین کاری شده است» (Leeman, 2005, p. 1).

سرزمین سبا یا «سبا»، مرکز بازرگانی مهمی بوده و بازرگانان آنها با عبرانیان داد و ستد داشته‌اند و به ثروت و ذخایر طلا مشهور بوده است. برای نمونه، «بازرگانان سبا و رعمه با تو داد و ستد می‌کردند و برای کالاهای تو بهترین ادویه و سنگ‌های گران‌بها و طلا می‌دادند» (حزقیال، ۲۷: ۲۲). از نظر ایمانی و اعتقادی، «سبائیان، تعداد زیادی از خدایان را می‌شناختند و می‌پرستیدند، ولی یهودیان تحت فرمان سلیمان موحد بودند، و به خدای (یهوه) باور داشتند» (Lucks, 2009, p. 61).

درباره داستان دیدار و ملاقات ملکه سبا با سلیمان نقل شده است که ملکه با کاروانی بسیار باشکوه، به اورشلیم وارد شد:

ملکه سبا از شهرت سلیمان پادشاه باخبر شد و به اورشلیم سفر کرد تا با پرسش‌های دشوار، او را بیازماید. ملکه سبا با گروه بزرگی از همراهان و همچنین شترهایی با بار ادویه، جواهرات و مقدار زیادی طلا به اورشلیم آمد. هنگامی که به نزد سلیمان آمد، هر آنچه در اندیشه او بود، با وی در میان نهاد. سلیمان به همه پرسش‌های وی پاسخ داد. هیچ چیز از پادشاه پوشیده نبود که نتواند پاسخ دهد. ملکه سبا هنگامی که دانش سلیمان و کاخی را که ساخته بود دید، شگفت‌زده شد. او به سلیمان گفت: «هرآنچه در سرزمین خود در مورد کارهای شما و دانش شما شنیده بودم، درست بود. اما تا من با چشم‌های خود ندیدم، گزارش‌ها را باور نداشتم. اما من حتی نیمی از آن را هم نشنیده بودم. دانش و ثروت شما بیش از آن است که به من گفته بودند. خداوند خدای شما را ستایش می‌کنم که از تو خشنود بود و تو را بر تخت سلطنت اسرائیل نشاند.» ملکه سبا هدایای خود را به سلیمان پادشاه تقدیم کرد که شامل این موارد می‌شد: معادل پنج تُن طلا و سنگ‌های گرانبها و مقدار زیادی ادویه به اندازه‌ای که او هرگز دریافت نکرده بود. سلیمان پادشاه، هرآنچه ملکه سبا خواسته بود به او داد، به اضافه هدایای که سلیمان با سخاوت‌مندی به او بخشید. آن‌گاه ملکه سبا و همراهانش به سرزمین خود بازگشتند (اول پادشاهان، ۱۰: ۱-۱۳؛ دوم تواریخ، ۹: ۱-۱۲).

با این حال، این معبد بیشتر به صورت یک عبادتگاه خصوصی سلطنتی طراحی شده بود، تا اینکه محلی برای اجتماع تعداد زیادی از افراد باشد. تنها روحانیون بزرگ حق ورود به آنجا را داشتند. مردم عادی در بیرون معبد، در اطراف محراب هدایای سوزاندنی جمع می‌شدند. بدین ترتیب، معبد هیکل سلیمان برای نسل‌های متمادی کانون توجه دینی مردم بود (بیئتس، ۱۳۷۸، ص ۵۹۱).

داوود بنای ساختمان مسجدالاقصی را شروع کرد، ولی پیش از اتمام آن درگذشت و سلیمان آن را به پایان رساند (بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج ۴، ص ۳۴۴؛ مظهری، ۱۴۱۲ق، ج ۸، ص ۱۵). اغلب مفسران در تبیین چگونگی بناء بیت‌المقدس و یاری رساندن اجنه به سلیمان سخن گفته‌اند:

چون داوود از دنیا رفت و سلیمان را جانشین خود قرار داد و او دوست داشت، بیت‌المقدس را تمام کند، پس سلیمان جنیان و شیاطین را جمع کرد و کارهای ساختمان را میان ایشان تقسیم نمود و هر دسته‌ای را به کاری گماشت و جمعی از جنیان و شیاطین را برای تهیه سنگ‌های مرمر و بلور به کندن معادن وادار کرد. دستور داد شهر بیت‌المقدس را از سنگ‌های مرمر سفید بنا کنند و برای آن دوازده قلعه ساخت. هریک از اسباط بنی اسرائیل را در محله‌ای نشانید. هنگامی که از بنای شهر فراغت یافت، شروع به ساختن مسجد کرد و شیاطین و دیوان را گروه گروه به استخراج معادن طلا و جوهرات فرستاد و دسته‌ای را هم برای حمل آنها به بیت‌المقدس گماشت. گروهی نیز مشک، عنبر و سایر عطرها را برایش می‌آوردند. دسته‌ای هم مأمور تهیه مروارید از قعر دریاها و حمل آن به بیت‌المقدس گردیدند. آن‌گاه به وسیله آنها، سلیمان مسجد را با سنگ‌های سفید، و زرد و سبز بنا کرد و ستون‌های آن را از سنگ‌های مرمر بلورین قرار داد و سقف و دیوارهای آن را به انواع جواهرات مزین ساخت و کف آن را با صفحه‌هایی از فیروزه فرش کرد (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۸، ص ۵۹۹؛ حائری تهرانی، ۱۳۷۷، ج ۹، ص ۸). سلیمان وقتی به بیت‌المقدس رفت، ده هزار قاری زیور را که نیمی از آنها در روز و نیمی از آنها در شب تلاوت زیور می‌پرداختند در بیت‌المقدس به کار گماشت و تمام شبانه‌روز در بیت‌المقدس خدا عبادت می‌شد (همان، ۹).

فرجام سلیمان

در قرآن، حکمت سلیمان او را به بالاترین درجه از خداترسی و پرهیزگاری می‌رساند. همین حکمت موجب سعادت و جاودانگی او می‌شود (ر.ک: بقره: ۱۰۲؛ نساء: ۱۶۳؛ نمل: ۴۴؛ ص: ۳۰). از سوی دیگر، در تورات، «ربیون برآند که حکمت سلیمان برای وی احساس مصونیت و معصومیت به همراه نیاورد؛ چراکه وی سرانجام منحرف شد» (Karesh and Hurvitz, 2006, p. 487).

در یسوع‌بن سیرا در مجموعه کتاب‌های قانونی ثانی، در توصیف سلیمان و فرجام وی آمده است:

... در جوان‌سالی چه عالم بودی، چون رود از خرد سرشار بودی، روح تو زمین را گرفته است، آن را از حکمت‌های در پَرده آکنده‌ای، آوازه تو تا جزایر دوردست رسید و در آرامش خویش محبوب گشتی. ترانه‌ها و مثل‌ها و حکمت‌های تو و پاسخ‌هایت، ستایش گیتی را بر انگیخت. به نام خداوند خدا، آنکه او

را خدای اسرائیل می‌خوانیم، زر را چون قلع انباشتی و سیم را چون سرب اندوختی، پهلوهای خویش را تسلیم زنان کردی و ایشان را بر تن خود چیرگی بخشیدی. مجد خویش را لکه‌دار ساختی. نسل خود را بیالودی آنچنان‌که خشم را بر فرزندان خویش و محنت را به سبب نادانی خود نازل ساختی. سلطنت دو پاره شد. از افرایم مملکتی طفیان کرده سربر آورد... و سلیمان با پدران خویش آرمید و از پس خود مردی از نسل خویش را بر جای نهاد. مجنون‌ترین کس در قوم که از خرد بی‌بهره بود. رحبعام که قوم را به شورش کشاند. یربعام پسر نباط، اسرائیل را به گناه واداشت» (یسوع‌بن سیرا، ۲۳۱-۴۷/۱۴).

بنابر عهد قدیم، در مدت زمانی که سلیمان مرتکب گناهان شد، فردی مطرود و رانده شده بود (Seters, 1987, v.13, p. 409). بدین‌سان، او اراده کرد که سلیمان معبد را بسازد، و این زمان‌های سعادت و پیشرفت پیامد درستکاری پادشاه صالحی بود که توانست رضایت خدا را به‌دست آورد. ولی حکومت واحد و متحد به خاطر گناهان سلیمان از بین رفت (Karesh and Hurvitz, 2006, p. 487).

بنابر عهد قدیم، هنگامی که سلیمان پیر شد، او به خداوند خدای خود وفادار نبود (اول پادشاهان، ۱۱: ۴). آن‌گاه خداوند از سلیمان خشمگین شد؛ زیرا دل او از خداوند خدای اسرائیل، خدایی که دو بار بر او ظاهر گشته بود، منحرف شد. پس خداوند به سلیمان گفت: سلطنت را از تو خواهم گرفت و به یکی از خدمتگزاران تو خواهم داد. ولی به خاطر پدرت داوود این کار را در زمان حیات تو نخواهم کرد، بلکه در زمان سلطنت پسرت این کار را عملی خواهم کرد (همان: ۹-۱۲).

نویسنده‌ای یهودی معتقد است:

گرچه سلیمان توانست اقتدار و اهمیت دولت اسرائیل را به مدارج عالی افزایش و سلطنت را به پایه بلند یک امپراتوری ارتقا دهد و در دوره او جنگ خونینی به وقوع نپیوست، ولی موفقیت او در پیشبرد سیاست و اقتصاد کشور او را از مسائل حیاتی دیگر غافل کرد. این غفلت موجب شد که جنبه‌های روحی و معنوی را فراموش کند. درست است که وصلت با شاهزادگان ممالک دیگر، موجب فراهم شدن متحدین پر قدرت برای کشورش گردید و واگذاری شهرهایی برای تأمین بودجه کافی جهت عمران و آبادی مفید بود، ولی این سیاست، موجب شد از وجهه و محبوبیتش در بین مردم کاسته و او را در انتظار خوار و بی‌مقدار نماید (ابان، ۱۳۵۸، ص ۴۶).

برخی علاوه بر روگردانی سلیمان از دستورهای خدا، به دلیل دوست داشتن همسران بت‌پرست، ناخشنودی مردم از خراج‌های سنگین حکومتی (Landman, 1969, v.9, p. 636; Eliade, 1987, v.13, p. 409) و گسست طبقاتی افسارگسیخته (Metzger/coogan, 1993, p. 295) را نیز از عوامل فروپاشی پادشاهی سلیمان دانسته‌اند.

سلیمان در اواخر حکومت خود با شورش‌هایی روبه‌رو شد که نتوانست همه آنها را سرکوب کنند. هنگامی که درگذشت، او را در شهر پدرش داوود به خاک سپردند و فرزندش رحبعام جانشین او شد (اول پادشاهان، ۱۱: ۴۳). در زمان رحبعام، در میان بنی اسرائیل اختلاف افتاد و کشور به دو پادشاهی تقسیم شد: پادشاهی شمالی، که متشکل از ده قبیله بود و «اسرائیل» نام داشت و

پادشاهی جنوبی که شامل دو قبیله یهودا و بنیامین بود و به‌عنوان «یهودیه» شناخته می‌شد (اول پادشاهان، فصل ۱۱؛ اسمارت، ۱۳۸۳، ص ۱۵).

از آنجاکه اکثریت مردم در کشور اسرائیل باقی ماندند، کشور کوچک‌تر و ضعیف یهودا عملاً زیر سلطه و نفوذ کشور بزرگ‌تر قرار گرفت و امور خارجی هر دو قسمت به عهده کشور بزرگ‌تر واگذار گردید، ولی چون دولت اسرائیل از اسباط مختلف تشکیل شده بود، اختلاف و نفاق همیشه در داخل آن زیاد و آرامش آن را مختل می‌کرد. در نتیجه، کشور اسرائیل بیش از دو‌یست سال دوام نیاورد و در ۷۲۲ ق. م. منقرض و نابود گردید (Sherbok, 2003, p. 56). کشور کوچک‌تر یهودیه، کمتر مورد تهدید و تجاوز کشورهای هم‌جوار قرار می‌گرفت. علاوه بر این موقعیت معبد بیت‌المقدس در قسمت متصرفی دولت یهودیه، که خود نشان قومیت و ملیت یهود بود، رجحانی برای دولت یهودیه نسبت به کشور اسرائیل محسوب می‌گردید و نیز اوضاع جغرافیایی این منطقه کمتر آن را در معرض هجوم بیگانگان قرار می‌داد (ابان، ۱۳۵۸، ص ۴۷). دولت یهودیه در جریان اسارت بابلی به دست بخت‌النصر فروپاشید (Sherbok, 2003, p. 68).

نتیجه‌گیری

۱. این جستار نشان می‌دهد حکمت امری دینی و موهبتی خدایی است، ولی نگاهداشت آن به اعمال خود افراد بستگی دارد. رعایت احکام دینی عمده‌تاً پیامد این جهانی فردی، اجتماعی و حتی نسلی دارد و به‌عکس. از نگاهی دیگر، برخی سلیمان را به‌عنوان نمونه اولیه جنبش عقلانی شناخته‌اند و مدعی هستند که در نهایت وی به دلیل رویکرد عقلانی خود مرتکب گناه شد (A.Ro, 1972, p. 107).
۲. در بخش‌های متأخر عهد عتیق، ارتکاب گناهان حتی از بزرگان دینی و دنیوی بعید و قبیح نیست و از مقام افراد نمی‌کاهد. سلیمان با آنکه مولود ازدواج ناپسند داوود با اوریاست، ولی در ابتدای تولد نیز محبوب خداست. البته پیامدهای گناهان هم دامن خود فرد را می‌گیرد و هم جامعه یهود و حتی ممکن است نسل‌های آتی هم مجازات شوند. در این صورت، هم‌گویی تسویه‌حساب شده و مقام معنوی بزرگی چون سلیمان بر جای می‌ماند.
۳. روایت سلیمان در عهد عتیق نشان می‌دهد که در سلسله‌مراتب مقامات دینی، لزوماً انبیاء در بالاترین مقام ننشسته‌اند و آنان تنها مخاطبان وحی نیستند، بلکه کاهنان، پادشاهان، حکیمان و... نیز می‌توانند مورد خطاب و ارتباط دو سویه با خداوند قرار گیرند. البته، برخی واجد چند مقام با هم (پادشاهی و حکمت) هستند.

۴. در مقایسه درونمایه آثار بازمانده منسوب به سلیمان، می‌توان گفت: *غزل غزل‌ها* بیانگر احساسات جوانی فرد است. ولی به نظر می‌رسد، کتاب *امثال، حکمت و دانایی* سلیمان در میانسالی و کتاب *جامعه*، اندیشه‌های فیلسوفانه وی در سال‌های آخر عمر تدوین شده است. حکمت سلیمان در کتاب‌های قانونی ثانی، همسویی شگفتی با سه کتاب مذکور در عهد عتیق دارد.

۵. درباره حکمت سلیمان و دانشی که خداوند به او داده است، در کتب قرآن و عهد عتیق اختلافی نیست؛ هر دو متون، سلیمان را دارای توانایی سخن گفتن با جانوران و پرندگان می‌شناسند. قرآن مجید به نبی بودن سلیمان تصریح دارد و به علم و حکمت او اشاره کرده، گفته است که جن و انس و پرندگان سر بر فرمان او داشتند و به او منطق الطیر (فهم زبان مرغان و حشرات) داده شده است. خداوند سلیمان را از برگزیدگان خود قرار داده است و بر مؤمنان نیز او را فضیلت بخشیده است. همچنین، وی از داوود، علم و پیامبری را به ارث برده است.

سلیمان در قرآن کریم، به دلیل حاکمیت بر موجودات غیبی و مقام نبوت، موضع برتری نسبت به سلیمان تورات دارد. حکمت سلیمان او را به بالاترین درجه از خداترسی و پرهیزگاری می‌رساند و همین حکمت موجب سعادت و جاودانگی او می‌شود. همچنین سلیمان دارای شأن داوری و قضاوت است که نمونه آن قضاوت سلیمان بر ذرع و گوسفندان است.

۶. عهد عتیق سلیمان را در شمار پادشاهان آورده و برای وی، از لقب محبوب خدا و پسر خدا یاد می‌شود. بنابر عهد عتیق، حکمت سلیمان برای وی احساس مصونیت و معصومیت به همراه نیاورد؛ چراکه وی در پایان، منحرف شد و معابدی برای خدایان سایر اقوام بنا کرد و سرانجام، حکومت واحد و متحد سلیمان به دلیل گناهان سلیمان از بین رفت و پس از وی، تجزیه کشور به اسرائیل و یهودا آغاز گردید. در عهد عتیق، سه کتاب به او منسوب است. افزون بر اینها، کتب دیگری در کتب قانونی ثانی به نام اوست، اما در قرآن ذکری از آثار او نیست. سلیمان پادشاه، قضاوت و داوری‌هایی عادلانه انجام داده است که از آن جمله، قضاوت مادر و فرزندی است و از کارهای شاخص دوران حکومت وی، بنای مشهور معبد در اورشلیم می‌باشد که از این امور در قرآن نشانی نیست.

۷. سخن از ملکه سبا در عهد عتیق و قرآن آمده است. از نظر عهد عتیق، ملکه سبا برای جست‌وجوی حکمت سلیمان با وی ملاقات کرده است، اما در منابع اسلامی، گفته شده که مجبور به انجام چنین کاری شده است. در خصوص خبر آوردن هدهد، فرستادن نامه، احضار تخت بلقیس، عبور بلقیس از آبگینه در عهد عتیق مطالبی بیان نشده است.

ابان، اباسلمن، ۱۳۵۸، قوم من: تاریخ بنی اسرائیل، ترجمه نعمت‌الله شکیب اصفهانی، تهران، کتابفروشی یهودا بروخیم و پسران. ابن‌شهر آشوب مازندرانی، محمدبن علی، ۱۴۱۰ق، *مشابه القرآن و مختلفه*، تحقیق و مقدمه علامه شهرستانی، قم، بیدار. ابن عطیه اندلسی، عبدالحق بن غالب، ۱۴۲۲ق، *المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العریز*، تحقیق عبدالسلام عبدالشافی محمد، بیروت، دارالکتب العلمیه.

اسمارت، نینیان، ۱۳۸۳، *تجربه دینی بشر*، ترجمه محمد محمدرضایی و ابوالفضل محمودی، تهران، سمت. آلوسی، سید محمود، ۱۴۱۵ق، *روح المعانی فی القرآن العظیم*، تحقیق عبدالباری عطیه، بیروت، دارالکتب العلمیه. بیضاوی، محمدبن عمر، ۱۴۱۸ق، *انوار التنزیل و اسرار التاویل*، تحقیق محمد عبدالرحمن المرعشلی، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی.

توفیقی، حسین، ۱۳۸۳، *آشنایی با ادیان بزرگ*، تهران، سمت. جزائری، سید نعمت‌الله، ۱۴۰۴ق، *القصص الانبیاء*، قم، مکتبه آیه‌الله المرعشی النجفی. حائری تهرانی، میرسیدعلی، ۱۳۷۷، *مقتنیات الدرر و ملتقطات الثمر*، تهران، دارالکتب الاسلامیه. حیدری، حسین و حسن پاشایی، «دگرگونی‌های مفهومی حکمت در عهد قدیم و عهد جدید»، ۱۳۸۹، *ادیان و عرفان*، ش ۲، ص ص ۵۶-۳۱.

رسول‌زاده، عباس، «سلیمان، اسطوره یا تاریخ؟»، ۱۳۸۹، *معرفت ادیان*، ش ۱، ص ۱۵۳-۱۷۵. سلیمانی اردستانی، عبدالرحیم، ۱۳۸۴ الف، «حکمت و حکیم در عهد قدیم». *قیسات*، ش ۳۵، ص ۱۴۴-۱۲۷. سیوطی، جلال‌الدین، بی تا، *الدرر المثور فی تفسیر بالمأثور*، بیروت، دارالمعرفه. شفیعی، سیدروح‌الله، ۱۳۹۱، *بررسی تاریخی خاندان پیامبران در قرآن و مقایسه آن با عهدین*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، علوم قرآن و حدیث، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی.

شوکانی، محمدبن علی، ۱۴۱۴ق، *فتح الغدیر*، بیروت، دار ابن کثیر و دارالکلم الطیب. طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۴۱۷ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، چ پنجم، قم، جامعه مدرسین. طبرسی، فضل‌بن حسن، ۱۳۶۰، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، ترجمه گروهی از محققان، تحقیق رضا ستوده، تهران، فراهانی. طوسی، محمدبن حسن، بی تا، *التیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی. عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه، ۱۴۱۵ق، *تفسیر نورالقلین*، تحقیق سیدهاشم رسولی محلاتی، چ چهارم، قم، اسماعیلیان. فیض کاشانی، ملامحسن، ۱۴۱۵ق، *تفسیر الصافی*، تحقیق حسن اعلمی، تهران، نشر الصدرا.

_____، ۱۴۱۸ق، *تفسیر الاصفی*، تحقیق محمدحسین درایتی و محمدرضا نعمتی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی. *کتاب‌هایی از عهد عتیق (کتاب‌های قانونی ثانی) براساس کتاب مقدس اورشلیم*، ۱۳۸۰، ترجمه پیروز سیار، تهران، نی. مجلسی، محمدباقر، بی تا، *بحارالانوار*، تهران، اسلامیه. محمدیان، بهرام و دیگران (ترجمه و تالیف)، ۱۳۸۰، *دایرةالمعارف کتاب مقدس*، تهران، روز نو.

مظهری، محمدثناءالله، ۱۴۱۲ق، *تفسیر المظهری*، تحقیق غلام نبی تونسلی، پاکستان، مکتبه رشدیه.

منتظرالقائم، اصغر و زهرا سلیمانی، «توسعه و تمدن‌سازی در حکومت‌های دینی»، ۱۳۸۸، *تاریخ درآینه پژوهش*، ش ۴، ص ۸۴-۶۵.

ناس، جان بایر، ۱۳۸۶، *تاریخ جامع ادیان*، ترجمه علی‌اصغر حکمت، تهران، علمی و فرهنگی.

نجفی، رضا، «داستان‌های عهد عتیق و مقایسه تطبیقی آن با قصص قرآنی»، ۱۳۸۲، *اطلاعرسانی و کتابداری*، کتاب ماه *ادبیات و فلسفه*، ش ۷۷، ص ۶۸-۷۷.

هلی، هنری، *راهنمای کتاب مقدس*، بی تا، ترجمه جسیکا باباخانیان، سابرینا بدلیان و ادوارد عیسی بیگ، زیر نظر ساروخاچیکی.

هنری، ۲۰۰۰م، *راهنمای کتاب مقدس*، هلند، بی تا.

ییتس، کابل، ۱۳۷۸، *جهان مذهبی: ادیان در جوامع امروز*، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی. A.Ro. "Solomon in the Aggadah", *Encyclopedia Judaica*, v.15, New York, The Macmillan Company, 1972, p106-108

Brown. Alexandra R. "Wisdom Literature: Biblical Books". In: *Encyclopedia of Religion*, 2005, V.14, Second edition. Editor: Lindsay Jones. Gale, U.S.A.

Cohn-Sherbok, 2003, *Dan. Judaism : History, Belief, And Practice*, Canada: Routledge.

Comay, Joan, 2002, *Who's Who in the Old Testament*, London & New York: Routledge.

Eliade, Mircea (Editor in Chief), 1987, *The Encyclopedia of Religion*, New York: Macmillan Publishing Company.

Karesh, sara E. and Mitchell M. Hurvitz, 2006, (Encyclopedia of World Religions). *Encyclopedia of Judaism*. Editor: J. Gordon Melton. New York: Facts On File, Inc.

Landman, Isaac (Edited by), 1969, *The Universal Jewish Encyclopedia*, New York: KTAV Publishing.

Lucks, Naomi, 2009, *Queen of sheba (Ancient World Leaders)*, New York: Chelsea House.

Metzger/Coogan, Bruce/Michael (Edited by), 1993, *The Oxford Companion to the Bible*, New York: Oxford University Press.

Queen of Sheba and Israel. In <http://www.Leeman, Bernard: queenofsheba.info/files/articles.html>, 2005.

Scott, Robert B. Y., (Wisdom), In: *Encycloaedia Judaica*, V.16, (Jerusalem 1978- 1982)

Seters, John Van, 1987, "Solomon", In: *The Encyclopedia of Religion*, V.13, Mircea Eliade. Macmillan Publishing Company, New York.

Singer, Isidore (Projector and Managing Editor), 1901, *The Jewish Encyclopedia*, New York: KTAV Publishing House.

Skolnik, Fred, 2007, (Editor in Chief), *Encyclopedia Judaica (Second Edition)*, New York: Macmillan.

Wigoder, Geoffry, 2002, *The New Encyclopedia of Judaism*, New York: New York University Press.